

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی برای مقابله با حمایت کشورها از عراق و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در تهدیدات آینده

امیر حیات‌مقدم^۱؛ عبدالرضا فرجی‌راد^۲؛ رحیم سرور^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۵

چکیده

جمهوری اسلامی ایران، راهبرد عراق که برقراری آتش‌بس بین دو کشور پس از اشغال حدود ۲۰ هزار کیلومتر مربع از سرزمین‌های استان‌های مرزی بود را بی‌اثر کرد و به تمامی هیئت‌های صلح اعلام کرد که تنها راه پذیرش آتش‌بس توسط ایران، "خروج بی‌قید و شرط ارتش عراق از خاک ایران" است. با عنایت به موارد فوق، پژوهش حاضر با هدف تبیین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی برای مقابله با حمایت کشورهای از عراق در هشت سال جنگ تحمیلی و نحوه به‌کارگیری این راهبردها در تهدیدات احتمالی آینده به رشته تحریر درآمده است. نوع پژوهش از نوع کاربردی - توسعه‌ای می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه می‌باشد. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، تعداد ۲۲ راهبرد به‌ترتیب اولویت بر نحوه به‌کارگیری جمهوری اسلامی ایران از تحارب برای به‌کارگیری آن‌ها در تهدیدات آینده موثر می‌باشند: تعداد ۸ راهبرد نظامی، ۴ راهبرد اجتماعی - فرهنگی، ۷ راهبرد سیاسی و ۲ راهبرد اقتصادی.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، عراق، جنگ تحمیلی، راهبرد، تهدید.

۱- دانشجوی دکتری رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۲- دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و نویسنده مسئول (رایانامه:

a.farajirad@yahoo.com)

۳- استاد جغرافیای برنامه‌ریزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

از روز ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ که عراق جنگ خود را با جمهوری اسلامی ایران شروع کرد تا صدور قطعنامه ۵۹۸ مورخ ۱۳۶۷/۰۴/۲۷ بین دو کشور، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز نظامی عراق ثابت و مشخص بوده و تا آخر جنگ تغییر چندانی در آن ایجاد نشد. با برداشت از سخنان و پیام‌های بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) می‌توان چارچوبی به شرح ذیل برای راهبردهای جمهوری اسلامی ایران بیان نمود:

- ۱- عدم‌پذیرش آتش‌بس تا زمانی که یک نظامی و یک سرباز عراقی در خاک ایران حضور دارد؛
- ۲- اثبات اقتدار سیاسی، فرهنگی و نظامی ایران در طول جنگ، بالاخص در پایان آن؛
- ۳- حفظ تمامیت ارضی ایران و عدم‌پذیرش در تغییر مرزهای کشور با عراق به‌خصوص در ارون رود و تأکید بر خط تالوگ در شناسایی مرز ارون رود؛
- ۴- وادار کردن عراق به پذیرش معاهده ۱۹۷۵ که مبنای حقوقی مرزهای ایران و عراق است و صدام حسین چهار روز قبل از شروع جنگ آن را ملغی اعلام کرده بود؛
- ۶- مشخص شدن عراق به‌عنوان متجاوز در جنگ از سوی مجامع رسمی بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد؛
- ۷- تعیین غرامت و دریافت خسارات ناشی از جنگ از دولت متجاوز؛
- ۸- رسیدن به صلح پایدار با پیشیمان کردن دشمن از آغاز و تحمیل جنگ بر ایران.

کشورهای منطقه نیز با هدف جلوگیری از انقلاب ایران و توسعه قدرت ایران انقلابی و به دلیل برخی فاکتورهای دیگر مانند تضاد ایدئولوژیک و یا ناسیونالیسم عربی به حمایت از عراق پرداختند. دولت عراق نیز در این ماجراجویی خود اهداف متعددی را دنبال می‌کرد که توسعه ارضی و افزایش قدرت منطقه‌ای و هم‌چنین جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی در مرزهای خود از مهم‌ترین آن‌ها بودند. در این راستا جمهوری اسلامی ایران می‌بایست اقداماتی را در سطح راهبردی انجام می‌داد و اتخاذ راهبردهای مؤثر، مانع از شکل‌گیری یا استمرار حمایت کشورها از عراق می‌شد. در پژوهش حاضر محققین بر آن هستند تا در راستای اهداف پژوهش پس از این‌که اوضاع و شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و عراق را به‌عنوان زمینه ایجاد این جنگ مورد ارزیابی قرار دهند، ویژگی‌های حمایت از عراق در جنگ هشت ساله را در ابعاد گوناگون و راهبردهایی را که ایران برای مقابله با آن‌ها در دو مقطع زمانی پیروزی نیروهای انقلابی در جبهه

در سال‌های ۶۱ و نقطه‌ی عطف این روند در سال ۶۷ اتخاذ نمود، بررسی نمایند و جمع‌بندی و نتایج حاصله را برای نحوه بهره‌برداری از این راهبردها در تهدیدات آینده و در یک مجموعه مدون ارائه کنند. یکی از زمینه‌های پژوهشی که اهمیت به‌سزایی داشته و لازم است تا در یک مجموعه جامع به آن پرداخته شود، مسئله حمایت‌های انجام شده از طرفین درگیر در این جنگ و تبیین راهبردهایی است که برای مقابله اتخاذ گردیدند. در این پژوهش، حمایت‌های انجام شده از کشور عراق مورد تأکید است؛ چراکه حجم کمک‌ها و حمایت‌های صورت پذیرفته از این کشور چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی با حمایت‌های محدود از جانب چند کشور ضعیف از ایران قابل مقایسه نیست. شاید مهم‌ترین عنصر در وجود این شکاف، شکل‌گیری یک انقلاب ایدئولوژیک در یکی از مهم‌ترین کشورهای متحد غرب در منطقه و البته رویکردی سیاسی در تقابل با سیاست غرب باشد، انقلابی که نه تنها رژیم شاه را بر نمی‌تابید بلکه به نوعی خواستار انقلاب در روابط و مناسبات بین‌المللی بود.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش

راهبرد

«طراحی هر استراتژی باید چنان باشد که نیازهای ویژه‌ای را برآورده سازد. در مجموع، استراتژی، علم و فن‌گزینش درست از منابع متنوع است. واکنش‌هایی که برای یک رهبر یا یک کشور صحیح به نظر می‌رسد ممکن است برای دیگران کاملاً نامناسب باشد. تمام استراتژیست‌ها، بدون در نظر گرفتن اعتقاد فلسفی‌شان اسیر قیود سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و تکنولوژی بی‌شماری هستند بعضی از این قیود مانند اراده ملی و افکار جهانی نامحسوس هستند. فرایض انسانی و فتوت همراه با محدودیت‌های اخلاقی و حقوقی نیز در این زمینه نقش خود را بازی می‌کنند» (کالینز، ۱۳۸۳: ۵۴).

در تعریفی دیگر، راهبرد علم و هنر ایجاد، توسعه و به‌کارگیری بهینه قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور- هنگام صلح و جنگ- به‌منظور حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمالات مطلوب جهت کسب پیروزی و تقلیل شکست (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۱۴).

بر اساس تعریف راهبرد از دیدگاه دانش‌آشتیانی، راهبرد طرحی^۱ است جامع^۲ با الگویی^۱ پویا^۲ که در فرآیند^۳ آن با بیان مجدد مأموریت^۴ و تجزیه و تحلیل و ارزیابی عوامل محیطی داخلی و خارجی^۵

خارجی^۵ مؤثر در راهبرد و اجرای مأموریت، اهداف^۶ عالی، بلندمدت و مزیت‌آفرین با آینده‌نگری، در دورنمایی^۷ مطلوب، برای رسیدن به موقعیتی^۸ برتر در محیط رقابتی تعیین می‌شوند. تدابیر راهبردی^۹ (گزینه‌های راهبردی یا راه‌های^{۱۰} رسیدن به اهداف تعیین شده) برای تهیه و توسعه منابع مادی و معنوی قدرت (عوامل سخت و نرم قدرت) و به‌کارگیری و صف‌آرایی^{۱۱} مناسب آن‌ها در برابر رقبا و بهره‌برداری بهینه از شایستگی‌های محوری (نقاط قوت^{۱۲} و قابلیت‌ها)، استفاده ماهرانه از فرصت‌های^{۱۳} محیطی، جبران ضعف‌ها^{۱۴} و آسیب‌پذیری‌های داخلی و مقابله با تهدیدات^{۱۵} تدوین می‌شوند، بیان مجددی از مأموریت سازمان‌های زیرمجموعه به‌عمل می‌آید، ساختارهای سازمانی، منابع، اعتبارات و ابزارهای^{۱۶} لازم برای اجرای تدابیر راهبردی، نیل به اهداف و کسب برتری و مزیت رقابتی^{۱۷} نسبت به رقبا تعیین و به بخش‌های ذیربط اختصاص داده می‌شوند و به‌منظور هماهنگی، یکپارچه‌سازی^{۱۸} و هم‌افزایی^{۱۹} راهبردهای سطوح پایین‌تر، راهنمایی‌های لازم داده می‌شود (دانش آشتیانی، ۱۳۸۹: ۳۳).

جنگ

جنگ پدیده اجتماعی است که بین جوامع انسانی شکل گرفته و بروز می‌یابد. کنش‌گران برای تحمیل اراده و خواست خود به دیگران از ابزارها، راه‌ها و شیوه‌های گوناگونی بهره می‌گیرند. جنگ یکی از قدیمی‌ترین سازوکارهایی است که کنش‌گران می‌شناسند و برای کنترل دیگران از آن

-
- 1- Pattern
 - 2- Dynamic
 - 3- Process
 - 4- Mission
 - 5- Environmental internal and external factor evaluation
 - 6- Objectives
 - 7- Perspective
 - 8- Position
 - 9- Strategic option
 - 10- Ways
 - 11- Ploy
 - 12- Strengths
 - 13- Opportunities
 - 14-Weaknesses
 - 15-Threats
 - 16- Means
 - 17- Competitive advantage
 - 18-Unified and Integrated
 - 19- Synergy

بهره می‌گیرند. از این نظر، جنگ به ذات خود اصالت و ارزش ندارد. جنگ روشی برای رسیدن به هدف و تأمین منافع به‌شمار می‌آید. ارزش جنگ به میزان مؤثر و مفید بودنش در تأمین منافع و تحقق ارزش‌ها بستگی دارد. جنگ در قیاس با سازوکارهای صلح‌آمیز دیگر به دلیل کشته شدن انسان‌ها و پیامدهای مخرب ضدانسانی‌تر است. با وجود این، جوامع انسانی نمی‌توانند از موضوع جنگ فارغ شوند. سایه جنگ همچنان بر سر جوامع انسانی سنگینی می‌کند (Gat, 2006).

از نظر جامعه‌شناسان، جنگ به‌عنوان یکی از عناصر پایدار تاریخ بشری، پدیده و واقعیتی اجتماعی قلمداد شده است. بشر در طول ۵ هزار سال تاریخ تمدن و زندگی خود، با بیش از ۱۴ هزار جنگ مواجه شده و در جریان این جنگ‌ها، بیش از ۴ میلیارد انسان جان خود را از دست داده‌اند. در گذر چندین هزار سال تمدن بشری، تنها ۲۶۸ سال بدون جنگ و مناقشه بوده است و طی ۵۵ سال (از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۰) در کل کره‌ی زمین فقط ۳ هفته بدون جنگ بوده است. قرن بیستم، یا قرن ملقب به اتم و اطلاعات و ارتباطات، با بروز بیش از ۲۲۰ جنگ، شاهد بیش از ۲۰۰ میلیون تلفات انسانی بوده است (ولیوند، ۱۳۹۳).

جنگ تحمیلی

با عنایت به این‌که در طول قرون اخیر به‌ویژه دوران قاجار و پهلوی با وقوع هر جنگی پاره‌ای از کشور جدا شده است و فقط در دوره قاجاریان بی‌کفایت، حدود یک میلیون کیلومتر مربع از خاک عزیز کشورمان جدا شده است، ولی در طول هشت سال دفاع مقدس و با وجود دشمنان قسم‌خورده و متعدد، ذره‌ای از خاک وطن جدا نشده و این مایه افتخار است. جنگی که با نادیده گرفتن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و اعلام یک‌جانبه عدم‌تعهد به آن از سوی صدام، در سال ۱۳۵۹، با یورش و هجوم نظامی توسط ارتش عراق آغاز و به ایران تحمیل شد و به مدت هشت سال طول کشید در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران تحت‌عنوان «جنگ تحمیلی» بیان می‌شود.

در جدول شماره ۱، مقایسه جنگ تحمیلی با جنگ‌های جهانی اول و دوم و جنگ کره ارائه می‌گردد:

جدول ۱. مقایسه جنگ تحمیلی با جنگ‌های جهانی اول و دوم و جنگ کره

روز	ماه	سال	تاریخ پایان	تاریخ شروع	نام جنگ
۱۵۵۸	۵۱	۴ سال و سه ماه	۱۱ نوامبر ۱۹۱۸	۴ اوت ۱۹۱۴	جنگ جهانی اول
۲۱۹۱	۷۲	۶ سال	۷ مه ۱۹۴۵ «سقوط آلمان» ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ «پایان جنگ»	۱ سپتامبر ۱۹۳۹	جنگ جهانی دوم
۱۱۲۷	۳۷	سه سال و یک ماه	۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳ اتمام رسمی جنگ	۲۵ ژئن ۱۹۵۰	جنگ کره
۲۸۸۷	۹۵	هفت سال و یازده ماه	۲۹ مرداد ۱۳۶۷ و ۳۰ اوت ۱۹۸۸ برقراری آتش‌بس	۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰	جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

تهدید

یکی از واژه‌هایی که مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و پیرامون معنا و مفاهیم آن زیاد صحبت می‌شود، واژه تهدید و یا تهدیدات است که نیاز به تفسیر این واژه در مباحثی که مربوط به حوزه‌های دفاعی-امنیتی است می‌باشد. در فرهنگ صبا، تهدید به معنی ترساندن، بیم دادن، بیم عقوبت دادن آمده است (بهشتی، ۱۳۷۲). تهدیدات نظامی از آشکارترین انواع تهدیدات به‌شمار می‌آیند که دارای پیشینه تاریخی طولانی در تحولات جوامع بشری هستند. ویژگی برجسته این دسته از تهدیدات در استفاده از زور است که در ذیل عنوان تخصصی «منازعه» و «جنگ» از آن یاد می‌شود. بر این اساس «تهدید نظامی» به استفاده از زور برای دستیابی به اهداف بازیگر در عرصه سیاست عملی دلالت دارد و در گفتمان سنتی از امنیت، دارای کاربرد بسیاری می‌باشد (ولیوند، ۱۳۹۳).

در تعریفی دیگر، «تهدیدات امنیت ملی را می‌توان تهدیدهایی دانست که اهداف و ارزش‌های حیاتی یک کشور را به‌گونه‌ای در معرض خطر قرار دهند و بیم آن می‌رود که در اهداف و ارزش‌ها تغییری ماهوی و اساسی صورت پذیرد» (دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، جزوه درس تهدیدات، ۱۳۹۲).

در تعریف دیگر به واژه تهدید چنین اشاره شده است: «کلیه عوامل و پدیده‌های خارج از سیستم که می‌توانند سیستم را به مخاطره انداخته و از رسیدن به اهداف مورد نظر جلوگیری نمایند. در

سطح ملی عواملی که منافع ملی را به مخاطره می‌اندازد، تهدید محسوب می‌شوند» (هاشم‌نظری، ۱۳۷۵: ۷).

علل تجاوز عراق

در روزهای آغازین تجاوز، عراق علل حمله نظامی گسترده خود را به ایران، نقض مفاد عهدنامه ۱۹۷۵ میلادی از سوی ایران عنوان کرد و از سوی دیگر اصولاً این قرارداد را تحمیلی بر عراق در زمان و شرایطی که عراق جبراً ناچار به پذیرش آن می‌بود، دانسته و ناگزیری از احقاق حقوق حقه عراق را در برگرداندن اراضی از دست رفته به عراق و به‌ویژه حاکمیت بر تمام اروندرود را وظیفه خود قلمداد نمود. ولی نظر به این‌که ابعاد تجاوز نظامی عراق به ایران هیچ‌گونه تناسبی با ادعای ارضی در مناطق زین‌القوس و سیف سعد (خان لیلی و میمک) و اروندرود نداشته و عراق قبل از آغاز آفند عمومی خود، مناطق مورد ادعای خویش را به قوه نظامی اشغال و با اعلام لغو قرار داد ۱۹۷۵ میلادی حاکمیت خود را بر اروندرود محرز می‌دانست، بنابراین دیگر علت این حمله گسترده بعدی را احقاق حقوق عراق عنوان کردن، دلیلی بسیار سست به‌شمار می‌آید و لذا سردمداران رژیم بغداد اندکی بعد، جلوگیری از تجاوز قریب‌الوقوع نیروهای ایران را به عراق با پیش‌دستی در حمله و در حقیقت نوعی دفاع مشروع از خود توجیه و تبلیغ نمودند (بختیاری، ۱۳۸۶: ۲).

علل سیاسی جنگ

همان‌طور که قبلاً اشاره شد وجود اختلافات مرزی و ارضی میان دولت‌های ایران و عراق که طبق قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر حل‌وفصل شده بود، به‌تنهایی نمی‌توانست انگیزه و علت اصلی تجاوز عراق به ایران باشد. اگر چه رهبران رژیم بعثی عراق از پذیرش روش خط تالوگ در رودخانه مرزی اروندرود که مبنای مرزبندی مشترک دو کشور در این رودخانه قرار گرفته بود دچار نوعی احساس حقارت گردیده و از سوی مخالفین خود در داخل کشور سخت تحت فشار قرار داشتند و صدام حسین را مسئول این پذیرش می‌دانستند؛ اما واقعیت این است که این موضوع نمی‌توانست مناقشه‌ای چنین خونین بین دو کشور را به‌وجود آورد. در واقع ریشه اساسی جنگ، اختلافات مرزی زمینی و رودخانه‌ای ایران و عراق است؛ چرا که اولاً این اختلافات به نحوی عادلانه و حتی بیشتر به سود عراق حل و فصل شده بود و در ثانی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر با جامعیت بی‌نظیر خود به کلیه اختلافات دو کشور از گذشته‌های دور (اختلافات با امپراطوری

عثمانی و بعد عراق) همه آن‌ها را حل و فصل نموده و برای رفع اختلافات احتمالی آینده هم راه کارهای اجرایی و حقوقی مناسبی پیش‌بینی نموده بود و به هر حال از زمان تشکیل دولت عراق (۱۹۲۰ میلادی) تا زمان شروع جنگ تحمیلی (۱۹۸۰ میلادی) ایران و عراق به دفعات در اوضاع حادثتری قرار گرفته بودند، ولی به جنگ تمام‌عیار متوسل نشده بودند (بختیاری، ۱۳۸۶: ۳). محققین و کارشناسان سیاسی نظامی عموماً بر این باورند که وقوع انقلاب اسلامی در ایران و آثار و نتایج آن بیشترین تأثیر را در پدید آمدن جنگ داشته است. بدین معنا که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه، بنای راهبردی امنیتی آمریکا در خلیج فارس که بر دو ستون ایران و عربستان پی‌ریزی شده بود، فرو ریخت و این مسئله (انقلاب اسلامی و تغییر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای) روابط و مناسبات بین ایران و عراق را دستخوش تغییر و تحول کرد. بدین ترتیب که برتری قدرت به سود ایران را که بر عراق حاکم بود تغییر داد و پیدایش خلاء قدرت در منطقه ناشی از خروج ایران (قدرت اصلی منطقه) ثبات منطقه را مورد تهدید قرار داد و اشتیهای عراق را که در رؤیای کسب قدرت در منطقه خلیج فارس و رهبری کشورهای عربی، سال‌ها خمیازه کشیده بود، تحریک نمود. خلاصه آن‌که دریافت غرب و شرق و شرکت‌های چندملیتی صنعتی، کارتل‌ها و تراست‌ها این بود که با برهم خوردن نظم موجود و تعادل منطقه‌ای ناشی از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، منافع آن‌ها در این منطقه مورد تهدید قرار گرفته است و بنابراین برپایی یک درگیری نظامی و پشتیبانی و حمایت از جنگی که صدام حسین بر مبنای آرزوهای دور و درازش برای قدرت‌نمایی نظامی در منطقه و کسب رهبری و زعامت در جهان عرب در صدد بود بر قدرتمندترین کشور منطقه (ایران) تحمیل کند، در دستور کار آن‌ها قرار گرفت. از دیدگاه سیاسی ریشه‌ی این ضرورت واژگون‌سازی نظام جدید حاکم بر ایران و یا تعدیل و مهار آن به منظور اعاده نظم پیشین بوده است. به‌عنوان یک واقعیت آموزنده باید اضافه کنیم که برهم خوردن کفه قدرت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و به‌ویژه قدرت نظامی به سود عراق، عامل کشیده شدن ماشه جنگ از سوی عراق و تحمیل آن بر ایران بوده است (بختیاری، ۱۳۸۶: ۵).

علل نزدیک جنگ

رژیم بعثی حاکم بر عراق، با توجه به اوضاع و احوال ایران در شرایط ناشی از انقلاب، به‌منظور برقراری جو مساعد برای اجرای یک تجاوز نظامی به ایران و نیز آماده ساختن افکار ملت عراق در پذیرش چنین اقدامی، به تبلیغات وسیعی دست زد: از جمله یکی از پرخرج‌ترین فیلم‌های سینمایی جهان را به نام قادیسه دوم که در حقیقت به مفهوم غلبه و پیروزی مجدد اعراب بر ایران بود تهیه

و مبادرت به اقداماتی کرد که روابط دو کشور را تیره و بحرانی نموده و از عکس‌العمل‌های ایران بهره‌برداری تبلیغاتی نماید که اهم این اقدامات عبارت بودند از:

- ایجاد تشنج و درگیری‌های مرزی با تجاوز به حریم زمینی و هوایی ایران در طول مرز مشترک که از تاریخ ۱۳/۰۱/۱۳۵۸ شروع و به مدت یک‌سال و نیم؛ یعنی، تا روز حمله عمومی عراق به ایران تقریباً همه روزه ادامه داشته و این تجاوزات زمینی و هوایی مرزی که منجر به شکایت ایران به شورای امنیت شده بود به ۶۷۳ مورد بالغ گردید.

- ایجاد دفتر جبهه به اصطلاح آزادی‌بخش خوزستان (جبهه‌التحریر) و مرکز فرهنگی خلق عرب و سعی و کوشش برای تحریک ایرانیان عرب زبان خوزستانی به قیام برای کسب خودمختاری و جدایی از ایران.

- اعزام عناصر خرابکار به خوزستان و اقدام به خرابکاری در خطه لوله و تأسیسات نفتی.

- دخالت مستقیم و مؤثر و پشتیبانی همه‌جانبه از جریانات کردستان.

- ایجاد فرستنده‌های رادیویی و پخش برنامه‌های تبلیغاتی تحریک‌آمیز به زبان‌های اقلیت قومی ایران.

- تهیه و چاپ نقشه‌های جعلی و تفکیک قسمت‌های مهمی از خاک ایران در این نقشه‌ها مانند: خوزستان، کردستان و حتی استان سیستان و بلوچستان.

- تهیه و چاپ و انتشار و توزیع کتاب‌های مجعولی نظیر تاریخ سیاسی امارات عربستان (خوزستان)، درگیری‌های عرب و فارس، تاریخ عربستان (خوزستان) الاحواز (اهواز) و غیره.

- تقاضای خروج بی‌قید و شرط و فوری نیروهای ایران از جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و واگذاری آن‌ها به اعراب.

عراق با ادعای تحمیلی بودن قرارداد ۱۹۷۵ میلادی، الجزایر بھانه‌ای را برای حمله به ایران دستاویز کرده بود و با توسل به این عهدنامه و به راه انداختن مظلوم‌نمایی تحت‌عنوان لزوم احقاق حق تاریخی عراق، حربه بسیار خوبی برای انگیزش احساسات ملی‌گرایانه مردم عراق علیه ایران و توجیه تجاوز نظامی خود به‌دست آورد. نگاهی کوتاه به گفته‌های مقامات مختلف رژیم بعثی در این دوران و طرح دعاوی مختلف و متعدد، به خوبی بیانگر مقاصد توسعه‌طلبانه عراق، زیر پوشش‌های ظاهر فریب احقاق حقوق عراق و اعراب است؛ مثلاً صدام حسین در فروردین ماه

۱۳۵۹ توقف بحران روابط موجود دو کشور را (که خود آتش‌افروز آن بود) مشروط به تحقق خواسته‌های عراق به شرح زیر نمود:

- خروج بی‌قید و شرط ایران از جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و واگذاری آن به اعراب؛

- بازگرداندن اروندرود به حالت قبل از قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر؛

- به رسمیت شناختن خودمختاری و عربی بودن ایالات عربستان (خوزستان)؛

صدام حسین با اعلام این خواسته‌ها اضافه کرد: «عراق آماده است که با توسل به زور تمام اختلافات خود را با ایران حل کند».

رژیم عراق پس از مقدمه چینی‌های بسیار در زمینه ایجاد موقعیت مناسب برای لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی و اجرای یک تهاجم نظامی با عنوان عوام‌فریبانه «احقاق حقوق تاریخی عراق»، ابتدا در تاریخ هفدهم تا نوزدهم شهریور ماه ۱۳۵۹ به بهانه واهی، این‌که دولت جمهوری اسلامی در امر تحویل و تحول مناطقی که تعلق ملی آن‌ها متعاقب علامتگذاری مجدد مرز زمینی تغییر یافته هنوز تعلل می‌نماید، مبادرت به اشغال این مناطق (خان‌لیلی و میمک) نمود. سپس در تاریخ ۲۶ شهریور ماه ۱۳۵۹ (۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی) با متهم نمودن دولت جمهوری اسلامی به عدم‌اجرای تعهدات خود در قرارداد ۱۹۷۵ به‌طور یک‌جانبه، عهدنامه مزبور را ملغی و بی‌اعتبار دانسته و قلمرو حاکمیت ایران در اروندرود را مجدداً منضم به خاک خود اعلام نمود.

نقض یک‌جانبه قرارداد ۱۹۷۵ میلادی از سوی عراق در حالی‌که قرارداد رسماً به تصویب طرفین رسیده و رسمیت آن از جانب طرفین اعلام شده بود، عملی برخلاف تمامی اصول و موازین روابط بین‌المللی و منشور ملل متحد به‌شمار می‌آمد. صدام حسین در نطق تلویزیونی روز ۲۷ شهریور ماه ۱۳۵۹ خود اقدام به پاره کردن این قرارداد که او خود امضا کننده آن به‌شمار می‌رفت، نمود و بدین ترتیب اختلافات دیرینه دو کشور را که از قرون وسطی بین ایران و عثمانی و پس از آن بین ایران و عراق وجود داشت و با قرارداد ۱۹۷۵ میلادی آن منازعات و اختلافات فیصله یافته بود، در تعقیب افکار پوسیده و ارتجاعی و تحریک شده خود مجدداً زنده کرد.

کمتر از یک هفته پس از اعلام لغو یک‌جانبه قرارداد؛ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰)، عراق برابر طرح‌های ازپیش تعیین شده حمله عمومی خود را از زمین و هوا به مناطق غربی و در جنوب‌غربی و شمال‌غربی خاک ایران آغاز و موفق شد تا در هفته‌های اولیه تهاجم در جبهه‌ای به

عرض بیش از ۵۵۰ کیلومتر - از استان کردستان تا سواحل اروندرود در استان خوزستان - و حداکثر تا عمق ۱۰۰ کیلومتری پیشروی نموده و مجموعاً بیش از پانزده هزار کیلومتر مربع از این مناطق را به اشغال خود درآورد (همان: ۱۸-۱۲).

چگونگی پایان جنگ تحمیلی

جنگ ایران و عراق علاوه بر این که بخشی از تاریخ ایران است، حاوی تجارب تلخ و شیرین گرانقدر و ارزشمندی است که باید آن‌ها را بازشناخت و به نسل‌های بعد منتقل کرد و در نیروهای مسلح، نحوه حکومت‌داری، سیاست‌گذاری، به‌ویژه راهبرد دفاعی کشور، پیشبرد اهداف و ارزش‌ها و تأمین منافع ملی، از آن بهره برد. این تجارب و درس‌ها با توجه به نحوه پایان جنگ تحمیلی و درس‌ها و تجارب آن برای دفاع ملی طرح می‌شود. در عین حال، قبل از بیان درس‌های جنگ تحمیلی، اشاره کوتاه به روند پایان جنگ ضروری است. تاریخ جنگ تحمیلی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد. دوره اول هجوم سراسری عراق و برتری آن در جبهه‌های جنگ است. در این دوره، ایران درگیر پیامدهای ناشی از انقلاب و منازعات سیاسی و قومی متعدد در داخل کشور بود. برداشت زمامداران عراق این بود که ایران درگیر منازعات بی‌پایان داخلی شده، نیروهای نظامی به شدت تضعیف گشته و به نظام سیاسی جدید وفادار نیستند. درگیری‌های قومی و شکاف‌های سیاسی و اجتماعی موجب تضعیف همبستگی ملی ایرانیان شده است (علائی، ۱۳۹۱: ۹۴). جمهوری اسلامی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی و تسخیر سفارت آمریکا پیوندهای قبلی خود را از دست داده بود. در چنین وضعیتی، رژیم بعث عراق احساس کرد جمهوری اسلامی ایران قدرت لازم برای دفاع از کشور را ندارد و در برابر اقدام نظامی به شدت آسیب‌پذیر است (خرم‌دره، ۱۳۸۱: ۲۳-۹).

دوره دوم زمانی شروع می‌شود که این شکاف‌ها به شدت کاهش یافته یا از بین رفته است؛ عملیات‌های موفق ایران شروع شده و نیروهای دشمن به مرزهای بین‌المللی رانده شده‌اند. با تداوم جنگ، تنبیه متجاوز به‌عنوان راهبرد نظامی ایران در دستور کار قرار می‌گیرد (اردستانی، ۱۳۷۹). در عرصه بین‌المللی با آزادی گروگان‌های آمریکایی تنش‌ها کاهش می‌یابد و در سال‌های بعد گفت‌وگوهای پنهانی میان ایران و آمریکا شروع می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۸۰). وقتی این گفت‌وگوها به نتیجه نمی‌رسد، تنش‌ها تشدید شده و با گسترش روابط دیپلماتیک عراق و آمریکا، فشارها بر ایران تشدید می‌شود، ضمن این‌که ورود به خاک عراق تردیدهایی را در داخل کشور به‌وجود آورده و تهدیدهای اعراب علیه ایران را تشدید کرده بود. چنین روندی موجب تقویت

قدرت عراق و تضعیف توان نظامی و سیاسی ایران شده و جنگ را در فرایند فرسایشی قرار داد (کردزمن، ۱۳۸۹: ۷).

سومین دوره جنگ زمانی است که برتری قدرت عراق در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای در قالب حمایت‌های همه‌جانبه و آشکار ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه از عراق بروز یافته و به شکل قدرت نظامی برتر عراق در میدان‌های نبرد جلوه‌گر می‌شود. در این دوره ایران به شدت تحت فشار همه‌جانبه نظامی، سیاسی-دیپلماتیک و اقتصادی - تجاری قدرت‌های شرق و غرب بود؛ عراق در سایه حمایت‌های مالی و تسلیحاتی آن‌ها (قربانی، ۱۳۸۰: ۲۷) راهبرد گسترش جنگ و حملات گسترده علیه کشتی‌ها را درپیش گرفت و کوشید درآمدهای نفتی ایران را از بین برده و توان حمایت از جنگ، تهیه نیازهای اولیه مردم و توان حکومت‌داری را از بین ببرد. در این دوره روند تحولات در سطوح گوناگون ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در ابعاد گوناگون نظامی، سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی و اجتماعی به ضرر ایران و به نفع عراق پیش رفت (یزدانفام، ۱۳۸۱: ۳۵-۴۸).

عراق بعد از دو سال از آغاز جنگ تحمیلی، قدرت هوایی خود را با دریافت‌های هواپیماهای پیشرفته فرانسوی و روسی بازسازی کرد و توان خود را در سایه حمایت‌های مالی و اطلاعاتی دولت‌های عرب خلیج فارس، به‌ویژه عربستان و کویت به شدت تقویت کرد. به مرور با تجهیز این هواپیماها به موشک‌های پیشرفته فرانسوی، توان عراق فزون‌تر و توان هوایی ایران به دلیل تحریم غرب و سقوط یا خرابی برخی از هواپیماها تقلیل یافت. قدرت هوایی عراق به این کشور اجازه داد جنگ را در خلیج فارس گسترش داده و به تنگه هرمز برساند و به حملات خود به شهرها و تأسیسات اقتصادی ایران در داخل کشور عمق دهد. این موارد موجب تضعیف توان دولت در حمایت از جنگ، بدتر شدن وضعیت اقتصادی مردم در کشور و تشدید نارضایتی از تداوم جنگ شد، استقبال از جبهه‌ها کاهش یافته و خطرات جنگ نمود بیشتری پیدا کرد (کردزمن، ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۴۵).

از آخرین روزهای فروردین ۱۳۶۷، روند تحولات در میداین جنگ زمینی نیز به نفع عراق رقم خورد. یگان‌های نیروی زمینی عراق در اواخر جنگ از نظر کمی و کیفی بازسازی و از هر جهت به شدت تقویت شده بودند. در سال آخر جنگ، اعضای نیروهای مسلح عراق از یک میلیون نفر گذشت و تجهیزات پیشرفته لجستیکی به رژیم بعث اجازه داد در کوتاه‌ترین زمان از نیروهای خود در چند جبهه بهره بگیرد. در همین حال، قدرت آتش عراق چنان تقویت شده بود که می‌توانست

مواضع مورد نظر را به شدت در هم کوبیده و مقاومت نیروهای مقابل را از بین ببرد. حمله به فاو، جزایر مجنون، منطقه عملیاتی کربلای ۵ در شلمچه و برخی مناطق عملیاتی جبهه شمال در طول سه ماه، نشان داد موازنه قدرت به شدت به نفع عراق تغییر یافته است.

تغییر موازنه قدرت به نفع عراق، چشم‌انداز پیروزی ایران در جنگ و تأمین اهداف وسیع‌تر را با دشواری روبه‌رو کرد. این تغییر موازنه قدرت به نفع عراق زمانی معنادار و قابل درک شد و در برداشت فرماندهان و سیاست‌مداران ایران تغییرات جدی ایجاد کرد که قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها ضمن توافق در مورد پایان دادن به جنگ در شورای امنیت سازمان ملل و ارائه قطعنامه‌ای نسبتاً قابل قبول، دست رژیم عراق را در خرید و استفاده از سلاح‌های پیشرفته و حتی غیرمتعارف بازگذاشته و نسبت به نقض قوانین و حقوق بین‌الملل از سوی صدام واکنشی نشان ندادند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۲: ۱۰). چنین اوضاعی، نه تنها چشم‌انداز پیروزی ایران را کاملاً از بین برد (نک: نامه فرمانده کل وقت سپاه به حضرت امام خمینی^(ع))، بلکه این نگرانی را در میان مسئولان جنگ به وجود آورد که تعلق در این زمینه موجب اشغال دوباره بخشی از سرزمین‌های میهن اسلامی شده و جمهوری اسلامی را در معرض خطرات بیشتر قرار دهد. در همین حال، زمام‌داران عراق نیز به خوبی متوجه شده بودند که قدرت آن‌ها نه برخاسته از توانمندی‌های ملی، بلکه ناشی از مناسبات جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های منطقه‌ای و ابرقدرت‌ها بود. بنابراین، آن‌ها اطمینانی به روند قدرت‌یابی خود نداشتند و به خوبی می‌دانستند که افراط آن‌ها در استفاده از قدرت و ورود دوباره آن‌ها به خاک ایران بار دیگر با واکنش گسترده مردم ایران مواجه شده و نارضایتی قدرت‌های حامی را در پی خواهد داشت که خواهان پایان یافتن این جنگ بودند.

پیشینه‌شناسی پژوهش

فرجی‌راد (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت‌عنوان «حمایت‌های منطقه‌ای و جهانی از عراق و ایران در جنگ تحمیلی» که با حمایت سازمان موزه‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس انجام شد، به وضعیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و عراق و همچنین حامیان عراق با استناد به اسناد و مدارک داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی و در نهایت به حامیان ایران پرداخت.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی و تاریخی با رویکرد کمی انجام گردیده است. در رویکرد کمی از روش‌های زمینه‌یابی (پیمایش) و پارامترهای توصیفی استفاده شده است. نتایج پژوهش کاربردی

و تصمیم‌گرا می‌باشد، لذا نوع پژوهش توسعه‌ای- کاربردی است. قلمرو تحقیق از نظر زمانی، از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۴۰۴ خورشیدی می‌باشد. از نظر مکانی، شامل جغرافیای ایران و عراق می‌باشد. اطلاعات این تحقیق از دو روش میدانی و «بررسی اسناد و مدارک (کتابخانه‌ای علمی و تخصصی) گردآوری شده است. این تحقیق دارای دو جامعه‌ی آماری اسنادی و خبرگی است. در حوزه‌ی ادبیات تحقیق کلیه اسناد موجود و بالادستی جزء جامعه‌ی آمار اسنادی تحقیق می‌باشد و در حوزه‌ی راهبردی فرماندهان عالی‌رتبه در زمان جنگ و خبرگان مرتبط که ویژگی‌های مشترک آنان تجربه، سابقه خدمتی، مسئولیت در سطوح عالی جنگ و سیاست و مدیریتی است که از طریق انتخاب هدفمند قضاوتی است (۳۰ نفر) (از میان صاحب‌نظران و خبرگان دانشگاهی، فرماندهان عالی‌رتبه‌ی جنگ تحمیلی حضور داشته‌اند برای کشف راهبردهای عملی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با حمایت کشورها از عراق و همین‌طور نحوه به‌کارگیری این راهبردها در تهدیدات آینده استفاده خواهد شد) برآورد گردید، جامعه آماری و حجم نمونه که بر هم منطبق می‌باشند را تشکیل می‌دهند. در این تحقیق به‌منظور استخراج راهبردهای دفاع مقدس و حامیان عراق، تحلیل و تدوین از تجربیات فرماندهان و روش مستندسازی این‌گونه تجارب استفاده شده است (روش توصیفی) و در تحلیل محتوا (کیفی) براساس طرح موضوع و با توجه به نوع استفاده از تحلیل محتوا و روال به‌کارگیری آن در این تحقیق از این روش سود می‌برد، به این نحو که استنباط نتایج براساس بودن یا نبودن ویژگی‌هایی که در پیام تعریف شده است، غالباً برای اجرای بهتر مسایل این حوزه مورد توجه قرار گرفته است. این روش تحلیلی از طریق تکنیک دلفی مورد استفاده قرار گرفته است. اگرچه تحقیق‌های زیادی با استفاده از روش تحلیل محتوا صورت گرفته در برخی زمینه‌ها از جمله مطبوعات و رسانه‌ها تقریباً روش منحصر به‌فرد پژوهشی محسوب می‌شود، اما با توجه به موضوع پژوهش حاضر که هدف آن تحلیل محتوای اسناد مرتبط با موضوع است چارچوب مفهومی نیز به همین حد تحدید و صرفاً توصیفی بود و نیازمند ابعاد نظری به مفهوم رایج در پژوهش‌های اجتماعی نیست. برای پاسخ به سئوالات این تحقیق از روش کتابخانه‌ای علمی و تخصصی و روش میدانی با استفاده از ابزارهای پرسش‌نامه و مصاحبه و برای تحلیل داده‌ها از روش کیفی بهره گرفته شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

برای معرفی پرسش‌شوندگان تعداد ۴ سؤال شناسایی در خصوص: سطح تحصیلات، سابقه‌ی خدمت، جایگاه سازمانی، نوع خدمت در مشاغل مدیریت / فرماندهی، ستادی، آموزشی، عملیاتی و دانشگاهی به عمل آمده است که داده‌های دریافتی به شرح زیر معرفی و تعیین شده است:

الف) سطح تحصیلات

جدول ۲. فراوانی پاسخ‌های میزان تحصیلات

نظر مقایسه‌ای	دکتر	کارشناسی ارشد	کارشناسی	جمع
فراوانی	۲۴	۴	۲	۳۰
درصد فراوانی	۸۰	۱۳/۳۳	۶/۶۷	۱۰۰

با توجه به تعریفی که در راستای سطح تحصیلات جامعه هدف یا نمونه، نیاز به استفاده از نظرات افرادی مجرب و با مدارک تحصیلی بالا دارد، لذا همان‌طور که در جدول یادشده مشاهده می‌شود، ۸۰ درصد از افراد دارای مدرک دکترا، ۱۳/۳۳ درصد کارشناسی ارشد و مابقی دارای مدرک تحصیلی کارشناسی هستند مورد تأیید تحقیق می‌باشد.

ب) سابقه‌ی خدمت

جدول ۳. فراوانی پاسخ‌های سابقه‌ی خدمت

نظر مقایسه‌ای	۲۰ تا ۲۵	۲۶ تا ۳۰ سال	بالای ۳۰ سال	جمع
فراوانی	۶	۵	۱۹	۳۰
درصد فراوانی	۲۰	۱۶/۶۷	۶۳/۳۳	۱۰۰

با توجه به جدول یادشده مشاهده می‌شود که در حدود ۶۳/۳۳ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای سابقه‌ی خدمتی بالای ۳۰ سال می‌باشند که برای این تحقیق از تأیید قابل توجهی برخوردار است.

ج) جایگاه سازمانی

جدول ۴. فراوانی پاسخ‌های جایگاه سازمانی

نظر مقایسه‌ای	جایگاه ۱۸	جایگاه ۱۹	جایگاه ۲۰ به بالا	جمع
فراوانی	۱۷	۹	۴	۳۰
درصد فراوانی	۵۶/۶۷	۳۰	۱۳/۳۳	۱۰۰

در زمینه جایگاه سازمانی نیز مشاهده می‌شود که اعتبار لازم را با توجه به جایگاه‌های اشاره شده به تحقیق می‌دهند و این امر دلیل کافی بر قابلیت اعتماد نتایج تحقیق می‌باشد.

بررسی پارامترهای توصیفی مربوط به حوزه‌های راهبرد نظامی متضمن به کارگیری در تهدیدات آینده

اطلاعات توصیفی مربوط به راهبردهای نظامی اثرگذار که متضمن به کارگیری در تهدیدات آینده احصاء شده از جامعه هدف یا نمونه در قالب راهبرد تهیه و تنظیم گردیدند که در هرکدام از پرسش‌نامه‌ها از جامعه نمونه یا هدف به پرسش گذاشته شد که نتایج آن‌ها به شرح زیر ارائه می‌گردند.

در این حوزه به منظور بررسی آماری و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، از آمار توصیفی استفاده شده و میزان تأثیر راهبرد مورد نظر در طول هشت سال دفاع مقدس و با توجه به حمایت‌های سایر کشورها از حزب بعث عراق، در تهدیدات آینده مشخص گردید. بدین منظور پرسش‌نامه‌هایی در قالب ۸ راهبرد زیرمجموعه راهبرد نظامی تنظیم گردیده است.

جدول ۵. بررسی پارامترهای توصیفی مربوط به راهبرد نظامی

سازگن داده‌های احصاء شده	پنجاه داده‌های احصاء شده	کمیته داده‌های احصاء شده	تعداد داده‌های کم شده	تعداد آوری شده	درصد فراوانی					راهبرد
					خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۴/۸۴	۵۰۰	۳۰۰	۰	۳۰	۰	۰	۱	۶	۲۳	تقویت یگان‌های نظامی به منظور حفظ تمامیت ارضی و دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب قانون اساسی؛
۳/۷۰	۵۰۰	۲۰۰	۰	۳۰	۰	۲	۱۰	۱۳	۵	فراهم‌سازی فناوری پیشرفته و تهیه تجهیزات و ابزارآلات نظامی از طریق کشورهای بی‌طرف (کره شمالی، چین، شوروی سابق (روسیه) و لیبی)
۴/۴۰	۵۰۰	۳۰۰	۰	۳۰	۰	۰	۴	۱۰	۱۶	انجام عملیات‌های یکپارچه مشترک نیروهای مسلح در بهرمندی از توانمندی‌های انسانی و برهم زدن آرایش منطقه و نیروهای دشمن به صورت جنگ‌های کلاسیک و غیرکلاسیک در ابتدای جنگ با هدف کاهش توان نظامی دشمن و افزایش قدرت چانه‌زنی در مجامع بین‌المللی
۴/۷۰	۵۰۰	۴۰۰	۰	۳۰	۰	۰	۰	۹	۲۱	بهره‌مندی از موشک‌ها با بُرد متوسط و بلند و ایجاد توازن نظامی منطقه به منظور تقلیل عملیات هوایی و موشکی دشمن با تقویت عقبه نیروهای رزمنده و ارتقاء توان دیپلماسی عمومی و دفاعی
۴/۱۳	۵۰۰	۲۰۰	۰	۳۰	۰	۲	۶	۸	۱۴	ایجاد و تهیج انگیزه‌های اسلامی ایرانی (ملی) در حوزه‌های مختلف به منظور هم‌افزایی توان دفاعی و سیاسی کشور
۴/۱۳	۵۰۰	۲۰۰	۰	۳۰	۰	۱	۴	۱۵	۱۰	بسیج نیروهای داوطلب مردمی و انجام جنگ انقلابی با تشکیل سازمان مستضعفین در قالب گردان‌های رزمی و پشتیبانی توأم با آموزش‌های متناسب با محیط داخلی و بین‌المللی
۴/۲۰	۵۰۰	۲۰۰	۰	۳۰	۰	۲	۵	۸	۱۵	تولید هواپیماهای بدون سرنشین متناسب با نیازمندی‌های عملیاتی
۴/۲۷	۵۰۰	۳۰۰	۰	۳۰	۰	۰	۶	۱۰	۱۴	برخورداری از قدرت نظامی بر اساس معادله امنیت منجر به بازدارندگی

با توجه به جدول تحلیل آمار توصیفی فوق روشن است که بیش از ۸۷٪ اعضای جامعه خبره معتقدند که "راهبردهای نظامی" به میزان زیاد و خیلی زیاد متضمن به‌کارگیری در تهدیدات آینده مؤثر است. یعنی نتایج حاصل از استخراج آمارهای توصیفی نشان می‌دهد که میانگین این راهبردها در بین پاسخ‌گویان این پژوهش بر روی طیف ۰ تا ۵ به جز راهبرد «فراهم‌سازی فناوری پیشرفته و تهیه تجهیزات و ابزارآلات نظامی از طریق کشورهای بی‌طرف (کره شمالی، چین، شوروی سابق

(روسیه و لیبی) (۳/۷۰) بین زیاد (۴) تا خیلی زیاد (۵) می‌باشند. یعنی می‌توان گفت میانگین احصاء شده راهبردهای یادشده در جدول به‌عنوان خروجی‌های حوزه‌ی راهبرد نظامی و بیانگر نظر جامعه نمونه در خصوص میزان تأثیرگذاری راهبردهای احصایی در حوزه‌ی راهبرد نظامی تأیید شده و مدنظر قرار داد.

بررسی پارامترهای توصیفی مربوط به حوزه‌های راهبرد اجتماعی - فرهنگی متضمن به کارگیری در تهدیدات آینده

اطلاعات توصیفی مربوط به راهبردهای اجتماعی- فرهنگی اثرگذار که متضمن به‌کارگیری در تهدیدات آینده احصاء شده از جامعه هدف یا نمونه در قالب راهبرد تهیه و تنظیم گردیدند که در هرکدام از پرسش‌نامه‌ها از جامعه نمونه یا هدف به پرسش گذاشته شد که نتایج آن‌ها به شرح زیر آورده شده است: در این حوزه به‌منظور بررسی آماری و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، از آمار توصیفی استفاده شده و میزان تأثیر راهبرد مورد نظر در طول ۸ سال دفاع مقدس و با توجه به حمایت‌های سایر کشورها از حزب بعث عراق، در تهدیدات آینده مشخص گردید. بدین منظور پرسش‌نامه‌هایی در قالب ۴ راهبرد زیرمجموعه راهبرد اجتماعی- فرهنگی تنظیم گردیده است.

جدول ۶. بررسی پارامترهای توصیفی مربوط به راهبرد اجتماعی - فرهنگی

پایانگین داده‌های احصاء شده	پیشینه داده‌های احصاء شده	کمیته داده‌های احصاء شده	تعداد داده‌های کم شده	تعداد داده‌های جمع‌آوری شده	درصد فراوانی				راهبردها	
					خیلی کم	کم	متوسط	زیاد		
۴/۴۷	۵.۰۰	۳.۰۰	۰	۳۰	۰	۰	۴	۸	۱۸	ایجاد و تهییج انگیزه‌های اسلامی ایرانی (ملی) در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی به منظور هم‌افزایی توان دفاعی و سیاسی کشور
۴/۶۰	۵.۰۰	۳.۰۰	۰	۳۰	۰	۰	۱	۱۰	۱۹	بسیج فرهنگی، سیاسی و تقویت بنیه‌ی نظامی در جبهه‌های حق علیه باطل با هدف انسجام داخلی و تأمین نیروی انسانی جبهه‌ها
۴/۳۷	۵.۰۰	۳.۰۰	۰	۳۰	۰	۰	۲	۱۵	۱۳	ترویج و توسعه‌ی فرهنگ عاشورایی از طریق فعال‌سازی پایگاه‌های مردمی و تبلیغ فراگیر مردمی به منظور ایجاد این فرهنگ در سطوح مختلف جامعه
۴/۳۰	۵.۰۰	۲.۰۰	۰	۳۰	۰	۱	۴	۱۰	۱۵	یکپارچه‌سازی ساختارهای اجتماعی برای تولید قدرت

با توجه به جدول تحلیل آمار توصیفی فوق روشن است که بیش از ۹۴٪ اعضای جامعه خبره معتقدند که "راهبردهای اجتماعی - فرهنگی" به میزان زیاد و خیلی زیاد متضمن به‌کارگیری در تهدیدات آینده مؤثر است. یعنی نتایج حاصل از استخراج آمارهای توصیفی نشان می‌دهد که میانگین این راهبردها در بین پاسخ‌گویان این پژوهش بر روی طیف ۰ تا ۵ بین زیاد (۴) تا خیلی زیاد (۵) می‌باشند. یعنی می‌توان گفت میانگین احصاء شده راهبردهای یادشده در جدول به‌عنوان خروجی‌های حوزه‌ی راهبرد اجتماعی - فرهنگی و بیانگر نظر جامعه نمونه در خصوص میزان تأثیرگذاری راهبردهای احصایی در این حوزه‌ی راهبردی تأیید شده و مدنظر قرار داد.

بررسی پارامترهای توصیفی مربوط به حوزه‌های راهبرد سیاسی متضمن به کارگیری در تهدیدات آینده

اطلاعات توصیفی مربوط به راهبردهای سیاسی اثرگذار که متضمن به‌کارگیری در تهدیدات آینده احصاء شده از جامعه هدف یا نمونه در قالب راهبرد تهیه و تنظیم گردیدند که در هرکدام از پرسش‌نامه‌ها از جامعه نمونه یا هدف به پرسش گذاشته شد که نتایج آن‌ها به شرح زیر آورده شده است:

در این حوزه به‌منظور بررسی آماری و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، از آمار توصیفی استفاده شده و میزان تأثیر راهبرد مورد نظر در طول ۸ سال دفاع مقدس و با توجه به حمایت‌های سایر کشورها از حزب بعث عراق، در تهدیدات آینده مشخص گردید. بدین منظور پرسش‌نامه‌هایی در قالب ۷ راهبرد زیرمجموعه راهبرد سیاسی تنظیم گردیده است.

جدول ۷. بررسی پارامترهای توصیفی مربوط به راهبرد سیاسی

راهبردها	درصد فراوانی					تعداد داده‌های جمع‌آوری شده	تعداد داده‌های گم شده	کمیت‌دهنده‌های احصاء شده	بیشینه داده‌های احصاء شده	متاگن داده‌های احصاء شده
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم					
تعامل و رایزنی‌های سیاسی و بین‌المللی با سازمان‌های بین‌المللی به منظور تعیین متجاوز و تنبیه آن با حفظ مرزهای بین‌المللی	۱۲	۹	۸	۰	۱	۳۰	۰	۱۰۰	۵۰۰	۴/۰۳
حفظ و تأکید بر قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و جلوگیری از جداسازی سرزمین‌های لحاظ شده برابر مفاد آن	۹	۱۲	۷	۰	۲	۳۰	۰	۱۰۰	۵۰۰	۳/۸۷
تثبیت مرزهای غرب کشور به منظور تحدید گروه‌های سازمان یافته اکراد(دموکرات و ...) تقویت راه‌های مواصلاتی شهرها و مرزها	۱۰	۱۳	۶	۰	۱	۳۰	۰	۲۰۰	۵۰۰	۴/۰۷
تحركات دیپلماتیک برای شکل‌دهی ائتلاف برای حمایت از ایران مانند جذب سوریه در دفاع مقدس	۱۵	۷	۶	۱	۱	۳۰	۰	۱۰۰	۵۰۰	۴/۱۳
تحركات دیپلماتیک برای برهم زدن ائتلاف دشمن مانند مواضع کشور عمان در شورای همکاری خلیج فارس در زمان دفاع مقدس	۱۳	۹	۵	۳	۰	۳۰	۰	۲۰۰	۵۰۰	۴/۰۷
فعالیت دیپلماسی عمومی در توجیه افکار عمومی دنیا	۱۰	۱۴	۳	۳	۰	۳۰	۰	۲۰۰	۵۰۰	۴/۰۳
تحدید حدود مرزهای آبی، رودخانه‌ای و خشکی به‌ویژه حل اختلافات مرزی و به خصوص مرز با کشورهایی که تاکنون تحدید حدود نشده	۱۷	۸	۵	۰	۰	۳۰	۰	۳۰۰	۵۰۰	۴/۴۰

با توجه به جدول تحلیل آمار توصیفی فوق روشن است که بیش از ۸۱٪ اعضای جامعه خبره معتقدند که "راهبردهای سیاسی" به میزان زیاد و خیلی زیاد متضمن به‌کارگیری در تهدیدات آینده مؤثر است. یعنی نتایج حاصل از استخراج آمارهای توصیفی نشان می‌دهد که میانگین این راهبردها در بین پاسخ‌گویان این پژوهش بر روی طیف ۰ تا ۵ بین زیاد (۴) تا خیلی زیاد (۵) می‌باشند. یعنی می‌توان گفت میانگین احصاء شده راهبردهای یادشده در جدول به‌عنوان خروجی‌های حوزه‌ی راهبرد سیاسی و بیانگر نظر جامعه نمونه در خصوص میزان تأثیرگذاری راهبردهای احصایی در این حوزه‌ی راهبردی تأیید شده و مدنظر قرار داد.

بررسی پارامترهای توصیفی مربوط به حوزه‌های راهبرد اقتصادی متضمن به‌کارگیری در تهدیدات آینده

اطلاعات توصیفی مربوط به راهبردهای اقتصادی اثرگذار که متضمن به‌کارگیری در تهدیدات آینده احصاء شده از جامعه هدف یا نمونه در قالب راهبرد تهیه و تنظیم گردیدند که در هرکدام از پرسش‌نامه‌ها از جامعه نمونه یا هدف به پرسش گذاشته شد که نتایج آن‌ها به شرح زیر آورده شده است: در این حوزه به‌منظور بررسی آماری و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، از آمار توصیفی استفاده شده و میزان تأثیر راهبرد مورد نظر در طول هشت سال دفاع مقدس و با توجه به حمایت‌های سایر کشورها از حزب بعث عراق، در تهدیدات آینده مشخص گردید. بدین‌منظور پرسش‌نامه‌هایی در قالب ۲ راهبرد زیرمجموعه راهبرد اقتصادی تنظیم گردیده است.

جدول ۸. بررسی پارامترهای توصیفی مربوط به راهبرد اقتصادی

راهبردها	درصد فراوانی					تعداد داده‌های جمع‌آوری شده	تعداد داده‌های کم‌شده	کمینه داده‌های احصاء شده	بیشینه داده‌های احصاء شده	میانگین داده‌های احصاء شده
	زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم					
تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و حفظ توان تولیدات داخلی کشور، به منظور مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکای جنایتکار و پشتیبانی مؤثر از عملیات‌های دفاعی و هجومی رزمندگان به نحوی که رضایت‌مندی مردم تأمین و حداقل نیازمندی‌های تجهیزاتی جبهه‌ها را تأمین نماید.	۲۵	۴	۱	۰	۰	۳۰	۰	۳۰۰۰	۵۰۰۰	۴/۸۰
حرکت جهت‌دار صنایع دفاعی و غیردفاعی کشور، به منظور حمایت از ارتش و سپاه به نحوی که از اواسط جنگ تا پایان آن بسیاری از اقلام دفاعی کشور نظیر گلوله‌های توپ و خمپاره و سلاح‌های سبک به خودکفایی رسیدیم	۲۳	۶	۱	۰	۰	۳۰	۰	۲۰۰۰	۵۰۰۰	۴/۷۳

با توجه به جدول تحلیل آمار توصیفی فوق روشن است که بیش از ۹۶٪ اعضای جامعه خبره معتقدند که "راهبردهای اقتصادی" به میزان زیاد و خیلی زیاد متضمن به‌کارگیری در تهدیدات آینده مؤثر است. یعنی نتایج حاصل از استخراج آمارهای توصیفی نشان می‌دهد که میانگین این راهبردها در بین پاسخ‌گویان این پژوهش بر روی طیف ۰ تا ۵ بین زیاد (۴) تا خیلی زیاد (۵) می‌باشند. یعنی می‌توان گفت میانگین احصاء شده راهبردهای یادشده در جدول به‌عنوان خروجی‌های حوزه‌ی راهبرد اقتصادی و بیانگر نظر جامعه نمونه در خصوص میزان تأثیرگذاری راهبردهای احصایی در این حوزه‌ی راهبردی تأیید شده و مدنظر قرار داد.

الویت‌بندی راهبردها

جهت تعیین رتبه و الویت‌بندی راهبردها در هر کدام از حوزه‌ها نسبت به یکدیگر آزمون فریدمن انجام که نتایج آن به شرح جدول‌های زیر مشخص شده است.

جدول ۹. آزمون فریدمن برای راهبردهای حوزه‌ی راهبرد نظامی متضمن به کارگیری در تهدیدات آینده

الویت‌بندی	میانگین	راهبردها
۱	۵/۷۲	تقویت یگان‌های نظامی به منظور حفظ تمامیت ارضی و دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب قانون اساسی
۲	۵/۶۳	بهره‌مندی از موشک‌ها با بُرد متوسط و بلند و ایجاد توازن نظامی منطقه به منظور تقلیل عملیات هوایی و موشکی دشمن
۳	۴/۷۲	انجام عملیات‌های یکپارچه مشترک نیروهای مسلح در بهرمندی از توانمندی‌های انسانی و برهم زدن آرایش منطقه و نیروهای دشمن به صورت جنگ‌های کلاسیک و غیرکلاسیک در ابتدای جنگ با هدف کاهش توان نظامی دشمن و افزایش قدرت چانه‌زنی در مجامع بین‌المللی
۴	۴/۴۸	برخورداری از قدرت نظامی بر اساس معادله امنیت منجر به بازدارندگی
۵	۴/۴۰	تولید هواپیمای بدون سرنشین متناسب با نیازمندی‌های عملیاتی
۶	۴/۳۲	ایجاد و تهییج انگیزه‌های اسلامی ایرانی (ملی) در حوزه‌های مختلف به منظور هم‌افزایی توان دفاعی و سیاسی کشور
۷	۴/۰۳	بسج نیروهای داوطلب مردمی و انجام جنگ انقلابی با تشکیل سازمان مستضعفین در قالب گردان‌های رزمی و پشتیبانی توأم با آموزش‌های متناسب با محیط داخلی و بین‌المللی
۸	۲/۷۰	فراهم سازی فناوری پیشرفته و تهیه ی تجهیزات و ابزارآلات نظامی از طریق کشورهای بی‌طرف

جدول ۱۰. آزمون فریدمن برای راهبردهای حوزه‌ی راهبرد اجتماعی- فرهنگی متضمن به کارگیری در تهدیدات آینده

الویت‌بندی	میانگین	راهبردها
۱	۲/۷۸	بسج فرهنگی، سیاسی و تقویت بنیه‌ی نظامی در جبهه‌های حق علیه باطل با هدف انسجام داخلی و تأمین نیروی انسانی
۲	۲/۵۸	ایجاد و تهییج انگیزه‌های اسلامی ایرانی (ملی) در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی به منظور هم‌افزایی توان دفاعی و سیاسی کشور
۳	۲/۳۳	ترویج و توسعه‌ی فرهنگ عاشورایی از طریق فعال‌سازی پایگاه‌های مردمی و تبلیغ فراگیر مردمی به منظور ایجاد این فرهنگ در سطوح مختلف جامعه
۴	۲/۳۰	یکپارچه‌سازی ساختارهای اجتماعی برای تولید قدرت

جدول ۱۱. آزمون فریدمن برای راهبردهای حوزه‌ی راهبرد سیاسی متضمن به کارگیری در تهدیدات آینده

الویت بندی	میانگین	راهبرد
۱	۴/۷۵	تحدید حدود مرزهای آبی، رودخانه‌ای و خشکی به ویژه حل اختلافات مرزی و به خصوص مرز با کشورهایی که تاکنون تحدید حدود نشده
۲	۴/۱۰	تحرکات دیپلماتیک برای شکل دهی ائتلاف برای حمایت از ایران مانند جذب سوریه در دفاع مقدس
۳	۴/۰۰	تحرکات دیپلماتیک برای برهم زدن ائتلاف دشمن مانند مواضع کشور عما در شورای همکاری خلیج فارس در زمان دفاع مقدس
۴	۳/۹۵	تثبیت مرزهای غرب کشور به منظور تحدید گروه‌های سازمان یافته (اکراد) دموکرات و ... تقویت راه‌ها مواصلاتی شهرها و مرزها
۵	۳/۹۰	فعالیت دیپلماسی عمومی در توجیه افکار عمومی دنیا
۶	۳/۸۳	تعامل و رایزنی‌های سیاسی و بین‌المللی با سازمان‌های بین‌المللی به منظور تعیین متجاوز و تنبیه آن با حفظ مرزهای بین‌المللی
۷	۳/۴۷	حفظ و تأکید بر قرارداد الجزایر و جلوگیری از جداسازی سرزمین‌های لحاظ شده برابر مفاد آن

جدول ۱۲. آزمون فریدمن برای راهبردهای حوزه‌ی راهبرد اقتصادی متضمن به کارگیری در تهدیدات آینده

الویت بندی	میانگین	راهبردها
۱	۱/۵۳	تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و حفظ توان تولیدات داخلی کشور، به منظور مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکای جنایتکار و پشتیبانی مؤثر از عملیات‌های دفاعی و هجومی رزمندگان به نحوی که رضایت‌مندی مردم تأمین و حداقل نیازمندی‌های تجهیزاتی جبهه‌ها را تأمین نماید
۲	۱/۴۷	حرکت جهت دار صنایع دفاعی و غیردفاعی کشور، به منظور حمایت از ارتش و سپاه به نحوی که از اواسط جنگ تا پایان آن بسیاری از اقلام دفاعی کشور نظیر گلوله‌های توپ و خمپاره و سلاح‌های سبک به خودکفایی رسیدیم

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه‌گیری

با توجه به این‌که مهم‌ترین جنگ‌های دوره معاصر در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ شمسی، در قالب جنگ تحمیلی هشت ساله و در پی مجموعه‌ای از عوامل زمینه‌ساز و مناقشه‌های فزاینده سیاسی - نظامی با تجاوز نیروهای عراق به ایران آغاز شد. تلاش ایران برای بیرون راندن دشمن و بازپس‌گیری مناطق اشغالی و غلبه بر عراق، بن‌بست جنگ و فرسایشی شدن آن، گسترش دخالت

نیروهای بیگانه در منطقه خلیج فارس، جنگ شهرها، استفاده گسترده عراق از سلاح‌های شیمیایی و نهایتاً رویارویی آمریکا با ایران، گسترش جنگ نفت‌کش‌ها و بین‌المللی شدن ابعاد جنگ و نیز عملکرد شورای امنیت سازمان ملل در طول جنگ و پس از آن در معرفی عراق به عنوان آغازگر جنگ و پذیرش مجدد قرارداد الجزایر از سوی این کشور، از جمله مشخصه‌های بارز آن به شمار می‌آید. لذا مطالعه برای تبیین راهبردهای مورد استفاده ایران در این مدت و استفاده از آنها در مقابله با تهدیدات آینده و توانمندی‌های حاصل از آن امری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، در واقع این پژوهش قصد آن داشته است که آیا راهبردهای مورد استفاده ایران در طول هشت سال دفاع مقدس متضمن تهدیدات آینده می‌باشد؟ این مورد نشان می‌دهد که اهمیت این مطلب نه تنها کمتر از اجرای راهبردها نیست بلکه فراتر و مهم‌تر از آن نیز می‌باشد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل ادبیات تحقیق به طور خلاصه به شرح ذیل بیان شده است. بر اساس رتبه‌بندی شکل‌گرفته کلیه راهبردها نسبت به هم اولویت استفاده‌ی راهبردی به شرح جدول زیر احصا شد.

جدول ۱۳. اولویت‌بندی راهبردها

الویت‌بندی	میانگین	راهبردها
۱	۱۴/۸۰	تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و حفظ توان تولیدات داخلی کشور، به منظور مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکای جنایتکار و پشتیبانی مؤثر از عملیات‌های دفاعی و هجومی رزمندگان به نحوی که رضایت‌مندی مردم تأمین و حداقل نیازمندی‌های تجهیزاتی جبهه‌ها را تأمین نماید
۲	۱۴/۲۵	تقویت یگان‌های نظامی به منظور حفظ تمامیت ارضی و دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب قانون اساسی
۳	۱۴/۱۵	حرکت جهت‌دار صنایع دفاعی و غیردفاعی کشور، به منظور حمایت از ارتش و سپاه به نحوی که از اواسط جنگ تا پایان آن بسیاری از اقلام دفاعی کشور نظیر گلوله‌های توپ و خمپاره و سلاح‌های سبک به خودکفایی رسیدیم
۴	۱۳/۹۳	بهره‌مندی از موشک‌ها با بُرد متوسط و بلند و ایجاد توازن نظامی منطقه به منظور تقلیل عملیات هوایی و موشکی دشمن
۵	۱۳/۰۲	بسیج فرهنگی، سیاسی و تقویت بنیه‌ی نظامی در جبهه‌های حق علیه باطل با هدف انسجام داخلی و تأمین نیروی انسانی
۶	۱۱/۹۷	ایجاد و تهییج انگیزه‌های اسلامی ایرانی (ملی) در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی به منظور هم‌افزایی توان دفاعی و سیاسی کشور
۷	۱۱/۶۸	تحدید حدود مرزهای آبی، رودخانه‌ای و خشکی به‌ویژه حل اختلافات مرزی و

الویت بندی	میانگین	راهبردها
		به خصوص مرز با کشورهایی که تاکنون تحدید حدود نشده
۸	۱۱/۴۸	انجام عملیات های یکپارچه مشترک نیروهای مسلح در بهرمندی از توانمندی های انسانی و برهم زدن آرایش منطقه و نیروهای دشمن به صورت جنگ های کلاسیک و غیرکلاسیک در ابتدای جنگ با هدف کاهش توان نظامی دشمن و افزایش قدرت چانه زنی در مجامع بین المللی
۹	۱۱/۰۳	ترویج و توسعه ی فرهنگ عاشورایی از طریق فعال سازی پایگاه های مردمی و تبلیغ فراگیر مردمی به منظور ایجاد این فرهنگ در سطوح مختلف جامعه
۱۰	۱۰/۸۵	یکپارچه سازی ساختارهای اجتماعی برای تولید قدرت
۱۱	۱۰/۸۵	تولید هوایمای بدون سرنشین متناسب با نیازمندی های عملیاتی
۱۲	۱۰/۷۸	برخورداری از قدرت نظامی بر اساس معادله امنیت منجر به بازدارندگی
۱۳	۱۰/۴۳	ایجاد و تهیج انگیزه های اسلامی ایرانی (ملی) در حوزه های مختلف به منظور هم افزایی توان دفاعی و سیاسی کشور
۱۴	۱۰/۰۲	تحرکات دیپلماتیک برای شکل دهی ائتلاف برای حمایت از ایران مانند جذب سوریه در دفاع مقدس
۱۵	۹/۵۸	تحرکات دیپلماتیک برای برهم زدن ائتلاف دشمن مانند مواضع کشور عمان در شورای همکاری خلیج فارس در زمان دفاع مقدس
۱۶	۹/۵۳	بسیج نیروهای داوطلب مردمی و انجام جنگ انقلابی با تشکیل سازمان مستضعفین در قالب گردان های رزمی و پشتیبانی توأم با آموزش های متناسب با محیط داخلی و بین المللی
۱۷	۹/۳۸	تعامل و رایزنی های سیاسی و بین المللی با سازمان های بین المللی به منظور تعیین متجاوز و تنبیه آن با حفظ مرزهای بین المللی
۱۸	۹/۲۷	تثبیت مرزهای غرب کشور به منظور تحدید گروه های سازمان یافته اکراد (دموکرات و ...) تقویت راه ها مواصلاتی شهرها و مرزها
۱۹	۹/۲۳	فعالیت دیپلماسی عمومی در توجیه افکار عمومی دنیا
۲۰	۸/۲۰	حفظ و تأکید بر قرارداد الجزایر و جلوگیری از جداسازی سرزمین های لحاظ شده برابر مفاد آن
۲۱	۶/۵۵	فراهم سازی فناوری پیشرفته و تهیه ی تجهیزات و ابزارآلات نظامی از طریق کشورهای بی طرف

برای پرداختن به مجموعه راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با حمایت کشورها از رژیم عراق در هشت سال جنگ تحمیلی که متضمن نحوه ی به کارگیری این راهبردها در تهدیدات آینده باشد به ترتیب اولویت اشاره شده در جدول یادشده بالا، می باید مد نظر قرار گرفته شوند.

ب) پیشنهاد

۱- با توجه به نتایج تحقیق مبنی بر معرفی راهبردها، ضروری است واحدهای ستاد و صف نسبت به ارزیابی وضع موجود و ترسیم وضعیت مطلوب خود بر حسب راهبردهای پیشنهادی اقدامات لازم را به عمل آورند.

۲- به منظور احراز تقابل با عملکرد آمریکا و سایر هم‌پیمانان آن در حوزه‌های مذکور، لازم است سازمان‌هایی که در این مسیر گام بر می‌دارند در خصوص اقدام همه‌جانبه و مکفی راهبردها به شرح ذیل اعمال نمایند:

- اولویت‌های به‌دست آمده در راهبردها، گویای این حقیقت است که در جهت طراحی و پیاده‌سازی راهبردها به ترتیب اولویت اقدام نمایند.

- کانون اصلی پژوهش حاضر تبیین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی و تقابل با حامیان عراق بوده و تلاش گردید تا ضمن احصای راهبردها، نحوه تقابل با تهدیدات آینده نیز ترسیم شود. لذا پیشنهاد می‌گردد این راهبردها در سایر سازمان‌های ذیربط مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

- پژوهشگران نه تنها مبانی علمی و نظری چنین حوزه‌هایی را توسعه دهند بلکه، آن‌ها را نیز متناسب با شرایط سازمان‌های خود، بومی نمایند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- اردستانی، حسین (۱۳۷۹). تنبیه متجاوز، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- انصاری، مهدی؛ فوزی، یحیی؛ لطف‌الزادگان، علیرضا (۱۳۸۰). روزشمار جنگ ایران و عراق، ماجرای مک فارلین، جلد چهل و چهارم: تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- بختیاری، مسعود (۱۳۸۶) دانشنامه‌ی بزرگ فارسی، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- خرم‌دره، احسان (۱۳۸۱). «جگونگی شکل‌گیری ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر روند آغاز و تداوم جنگ ایران و عراق (۱۳۶۱-۱۳۵۷)»، فصلنامه نگین ایران، شماره ۱.
- دانش‌آشتیانی، محمدباقر (۱۳۸۹). الگوی طرح‌ریزی راهبرد دفاعی - امنیتی، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- قربانی، قدرت‌اله (۱۳۸۰). «کمک‌های قدرت‌های بزرگ به عراق در جنگ هشت‌ساله»، پژوهشنامه‌ی دفاع مقدس، شماره ۱.
- کالینز، جان. ام (۱۳۸۳)، جغرافیای نظامی، ترجمه‌ی عبدالمجید حیدری و همکاران، تهران: مجتمع ناشران.
- کردزمن، آنتونی (۱۳۸۲). «درس‌های فوری جنگ عراق»، ترجمه‌ی پریسا کریمی‌نیا، مجله‌ی نگاه، شماره‌ی ۳۳.
- هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). «دیدگاه‌ها: گفتگوی هاشمی رفسنجانی با روزنامه همشهری»، فصلنامه نگین ایران، شمار ۵، صفحات ۱۱۲-۱۰۷.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۱). «عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق»، فصلنامه نگین ایران، شماره‌ی ۱.

ب) منابع انگلیسی

- Gat, Azar (2006). War in human civilization, Oxford: Oxford University Press.

